

فصل سوم: شالوده معرفت

این ادعا که هیچ معرفت یقینی امکان ندارد، از اساس باطل است.

راه حل دکارت برای تشخیص نوع معرفت:

✓ دکارت برای مبارزه با شکگرایی، سنگ بنای معرفت را شک ناپذیری خودِ شک قرار داد و جمله معروف "من شک میکنم (یا فکر میکنم) پس هستم" از وی است.

✓ بنظر دکارت، تنها ویژگی گزاره (من شک میکنم پس هستم) که آن را خطاناپذیر و یقینی نموده، این است که آن را به طور واضح و متمایز درک میکنیم.

✓ هرچه به طور واضح و متمایز به تصور آید، درست و حقیقی است.

از نظر دکارت:

واضح یعنی: چیزی که برای یک ذهن و فکر آگاه، حاضر و ظاهر باشد درست همانگونه که میگوئیم اشیا را واضح میبینیم وقتی با حضور آنها در برابر چشم، آن اشیا بر چشم با نیروی کافی اثر میکنند.

✓ هرگاه به روشنی از شیئی آگاه باشیم و آن شی در برابر ذهن ما حاضر و ظاهر باشد، تصور ما از آن شی واضح است.

متمایز یعنی: آن چیز چنان دقیق و متفاوت از هر چیز دیگر باشد که در خود، شامل هیچ چیز جز آنچه روشن و واضح است نباشد.

✓ اگر از ماهیت آن تصور و جدایی آن از موضوعات دیگر آگاه باشیم و بتوانیم با تعریف دقیق آن ماهیت، آن را از دیگر ماهیات تفکیک کنیم، در اینصورت آن تصور در ذهن متمایز است.

از نظر دکارت ممکن است یک تصور واضح باشد ولی متمایز نباشد ولی عکس آن ممکن نیست. یعنی ممکن نیست چیزی متمایز باشد ولی واضح نباشد.

از نظر دکارت:

امور نفسانی: منحصرند در افعال ارادی نفس مانند تصمیمگیری و کذب معنا ندارد. تنها میتوان آنها را به خوب یا بد توصیف کرد.
تصدیقات: قابل اعتماد نیستند زیرا خطاهای بسیاری در آنها سراغ داریم.

تصورات بر 3 قسم هستند:

1- تصورات فطری که ناشی از عقل و ذاتی انسان هستند همچون تصور خدا، تصور وحدت، تصورات و مفاهیم ریاضی (مثل شکل و مقدار)

2- تصورات حسی که از طریق حواس از خارج بدست می آیند.

3- تصورات جعلی که همان صوری هستند که قوه متخیله در ذهن میسازد مانند تصور پری، اسب بالدار و سیمرغ.

معیاری که دکارت برای حقیقت تعیین کرده است (من شک میکنم پس هستم) صرفاً در تصورات فطری میتوان یافت. از نظر او، فقط تصورات فطری، واضح و متمایزند.

تصورات حسی و جعلی، واضح و متمایز نیستند؛ یعنی ملاک حقیقت در آنها وجود ندارد.

اسپینوزا، لایبنیتس و مالبرانش که از پیروان دکارت بودند، به جای ترمیم اندیشه های وی، ضعفهای نظام فلسفی وی را آشکار کرده و دیدگاه وی نتوانست جلوی امواج شکگرایی آن دوره را بگیرد.

از نظر ابن سینا، شناختن خود بر شناخت افعال، آثار و احوال خود تقدم دارد.

ضعف نظام فکری دکارت:

1. وی به جای اینکه از ذات انسانی شروع کند، از حالتی از حالات وی (شک یا فهم) آغاز میکند.

2. وضوح و تمایز را نمیتوان معیار بازشناسی اندیشه‌های درست از نادرست قرار داد چون:

الف) خود این ملاک کاملاً وضوح و تمایز ندارد و مبهم است. معلوم نیست مرز جدایی وضوح و تمایز از عدم وضوح و عدم تمایز کجاست.

ب) این ملاک نمیتواند خطاناپذیری دستهای از معرفتها را آشکار سازد.

ج) آموزه تصورات فطری که پنداری بیش نیست و نیز بیاعتبار شمردن تصورات حسی، واکنشهای حادی را علیه وی برانگیخت.

راه حل اندیشمندان اسلامی برای تشخیص نوع معرفت:

✓ براساس نگرش اندیشمندان اسلامی، معرفتهای انسان به 2 دسته معرفتهای بدون واسطه (علم حضوری) و معرفتهای با واسطه (علم حصولی) تقسیم میشود.

✓ همه معرفتهای حضوری و بیواسطه، خطاناپذیرند و راز خطاناپذیری آن معرفتها، در بیواسطه بودن آنها نهفته است.

✓ تنها دستهای از معرفتهای با واسطه و حصولی انسان، بدلیل بدهت آنها یا ارجاع به معرفتهای بیواسطه، خطاناپذیرند و عبارتند از بدیهیات.

✓ شالوده معرفت، بر معرفتهای بیواسطه و معرفتهای با واسطه بدیهی بنا نهاده شده است.

✓ بنیادیتترین مسئله معرفت شناسی این است که چگونه میتوان معرفتهای صادق را از معرفتهای کاذب تمییز داد که به مبحث ارزش شناخت تعبیر میگردد.

✓ دستهای از معرفتهای انسانی، یقینی و بلکه غیرقابل خطا هستند.

✓ دایره علوم حضوری محدود بوده و بخش عمده معرفتهای بشری همچون علوم فلسفی و ریاضی و طبیعی، علوم حصولی است.

✓ بر مبنای آموزه حکمای اسلامی برای تمییز معرفت‌های کاذب از صادق و دستیابی به یقین، باید به بدیهیات متوسل شد.

نخستین فیلسوفانی که مسائل معرفت‌شناسی را به طور منظم و مستقل مورد بحث قرار دادند، چه کسانی بودند؟

1- اسپینوزا و کانت

2- کانت و هگل

3- جان لاک و لایب‌نیس

4- جان لاک و اسپینوزا

اندیشمندان مسلمان چه تعریفی را برای معرفت برگزیده‌اند؟

1- باور صادق

2- باور صادق موجه

3- شناخت قضیه‌ای

4- مطلق علم و آگاهی

عبارت زیر تعریف کدام مفهوم است؟

دیدگاهی که معرفت انسان یا حقیقت را بر زمان یا مکان یا جامعه یا فرهنگ یا چارچوب معرفتی یا دستگاه شناخت یا تربیت و اعتقاد شخصی مبتنی می‌داند

1- جامعه‌گرایی

2- نسبیت‌گرایی

3- شیخ‌گرایی

4- حس گرایی

افراطی ترین ادعای سوفیست ها این است که هیچ معرفت یقینی امکان ندارد مهمترین اشکال این ادعا چیست؟

1- این ادعا بی معناست

2- این ادعا با براهین عقلی اثبات نشده است

3- این ادعا قابل اثبات با روش تجربی نیست

4- این ادعا تناقض گویی است و خود را نقض می کند

معرفت بی واسطه که در آن واقعیت و وجود واقعی معلوم پیش درک کننده حاضر است، چه نام دارد؟

1- علم حصولی

2- علم حضوری

3- معرفت واقعی

4- معرفت حسی

کدام گزینه از ویژگی های علم حضوری است؟

1- می تواند مورد شک یا یقین قرار گیرد

2- با استدلال عقلی و منطقی به آن علم پیدا می کنیم

3- قوه مخصوصی برای تحقق آن دخالت ندارد

4- به کمک صورت های ذهنی حاصل می شود

کدام فیلسوف برای نخستین بار تمایز میان مفاهیم ماهوی، معقولات ثانیه فلسفی و معقولات ثانیه منطقی را مطرح نمود؟

1-فارابی

2-خواجه نصیر الدین طوسی

3-لاک

4-دکارت

کدام گزینه دیدگاه بار کلی را بیان می کند؟

1-منشا شناخت ما مفاهیم عقلی یا فطری هستند

2-تنها منشا تصورات حس ظاهر و اندام های حسی است

3-دو مفهوم زمان و مکان از ساختارهای ذاتی ذهن است

4-اشیای مادی وجود خارجی ندارند و آنچه ما درک میکنیم تصوراتی است که خدا در ما ایجاد کرده است

کدام یک از قضایای زیر قضیه تحلیلی است؟

1-فلزات با حرارت منبسط می شوند

2-خورشید نور و حرارت دارد

3-هر علتی معلولی دارد

4-هر انسانی فرزند دارد

کدام دسته از قضایا هستند که صرف تصور موضوع و محمول آنها برای تصدیق کافی نیست و به استدلال نیاز دارند ولی دلیل آنها همواره با آنهاست؟

1-حسیات

2-فطریات

3- وجدانیات

4- حدسیات

کدام تعریف از حقیقت یا صدق در طول تاریخ طرفداران بیشتری داشته است؟

1- تعریف عملگرایانه

2- تعریف انسجام گرایانه

3- تعریف مطابقت

4- تعریف کارکرد گرایانه

اشکال مشترک تعاریف انسجام گرایان و پراگماتیست ها از صدق چیست؟

1- ابهام

2- دور

3- تسلسل

4- نداشتن پیشینه تاریخی